

انگیزش تحصیلی در نظام‌های آموزشی



دسترسی آزاد

<https://journal.afagh.ac.ir>

شماره ۳، دوره ۱، ۱۴۰۴

نقش شیوه‌های فرزندپروری و تاب‌آوری در پیش‌بینی قلدری دانش‌آموزان مدارس دوره دوم ابتدایی

اکرم حمیدی نصرآباد^{۱*}، محبوبه چوب باز^۲

۱. استادیار، گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

Email: hamidinasrabad@cfu.ac.ir

۲. کارشناسی‌ارشد، آموزش ابتدایی، دانشگاه آزاد، کاشمر، ایران

چکیده

دانش‌آموزان در محیط مدرسه درگیر مشکلات رفتاری عمده‌ای هستند که قلدری یکی از رفتارهای شایع خصوصاً در مدارس پسرانه است؛ براین اساس پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش شیوه‌های فرزندپروری و تاب‌آوری در پیش‌بینی قلدری دانش‌آموزان مدارس دوره دوم ابتدایی انجام شده است. روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان در این مدارس دوره‌ی دوم ابتدایی سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ شهرستان کاشمر بود که تعداد آنها ۷۶۳ نفر بود. روش نمونه‌گیری در این پژوهش تصادفی سیستماتیک بود و حجم نمونه براساس جدول مورگان ۲۵۶ نفر محاسبه شد. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه‌های شیوه‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۷۳)، تاب‌آوری کانر و دیویدسون (۱۹۹۱-۱۹۷۹) و پرسشنامه سطح قلدری اسپلاگه و هولت (۲۰۱۱) بود. جهت تجزیه و تحلیل آماری در تحلیل استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به کمک نرم‌افزار spss21 استفاده شد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیری ($p < 0/01$) و استبدادی ($p < 0/01$) با سطح قلدری رابطه مثبت و معنادار و بین فرزندپروری قاطع ($p < 0/01$) و تاب‌آوری ($p < 0/01$) با سطح قلدری رابطه منفی وجود داشت. همچنین متغیرهای پژوهش ۲۷ درصد از واریانس قلدری دانش‌آموزان را پیش‌بینی نمودند. باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان گفت سبک‌های فرزندپروری و تاب‌آوری از عوامل مهم و تعیین‌کننده در کاهش سطح قلدری دانش‌آموزان می‌باشند؛ لذا با تمرکز بر نتایج مطالعه حاضر، می‌توان به کاهش قلدری دانش‌آموزان کمک نمود.

واژگان کلیدی: تاب‌آوری، شیوه‌های فرزندپروری، قلدری

۱. مقدمه

قلدری^۱ در مدرسه یک مشکل شایع بهداشت عمومی است که بر سلامت روان نوجوانان تأثیر منفی می‌گذارد. قلدری که به‌عنوان رفتارهای پرخاشگرانه عمدی، مکرر و مضر در بین همسالان تعریف می‌شود، منجر به پریشانی روانی شدید، از جمله اضطراب، افسردگی و افکار خودکشی در بین قربانیان می‌شود (هان، یه و ژو، ۲۰۲۵). قلدری به‌عنوان رفتاری تکرارشونده و عمدی تعریف می‌شود که در آن فرد یا گروهی با استفاده از قدرت، موجب آسیب جسمی، روانی یا اجتماعی به دیگری می‌شوند (اولویوس^۳ ۱۹۹۳). این پدیده می‌تواند به شکل‌های مختلفی از جمله فیزیکی، کلامی، اجتماعی یا سایبری بروز یابد و در محیط‌های آموزشی، به‌ویژه در دوره‌های ابتدایی و متوسطه، شیوع قابل‌توجهی دارد. قلدری اعمال و اقداماتی است که به‌طور مستمر و مستقیماً بر روی یک یا تعدادی از افراد انجام می‌گیرد؛ این اقدامات از نظر فرد یا افراد قربانی، نامطلوب بوده و ممکن است از روی عمد یا غیرعمد باشد، اما به‌طور واضح موجب تحقیر، رنجش و اضطراب و پریشانی فرد می‌شود (صمدیه و همکاران، ۱۴۰۳). این اعمال همچنین موجب اختلال در عملکرد کاری شده و محیط کار ناخوشایندی را برای کارکنان نیز ایجاد می‌کند؛ بنابراین قلدری در محیط کار، رفتار تهاجمی غیرقابل‌توجهی است که به همکاران آسیب می‌رساند. فرد در معرض مداوم و مستمر رفتارهای منفی و خشونت‌آمیز و آزاردهنده که ماهیتاً جنبه روانی دارد، قرار گرفته و یا در کل موقعیتی را توصیف می‌کنند که در آن رفتارهای خصومت‌آمیز که مستقیماً و به‌صورت نظام‌مند علیه یک یا چند نفر از همکاران یا زیردستان صورت می‌گیرند و به‌بدنام‌سازی و قربانی کردن آنان می‌انجامند (لوسیونو و کارتر^۴، ۲۰۲۳).

باید توجه داشت که قلدری اغلب بطور گروهی نیز صورت می‌گیرد و به‌دو نوع مستقیم و غیر مستقیم نیز تقسیم می‌شود. قلدری به شکل مستقیم شامل حملات باز و معمولاً رویارویی چهره‌به‌چهره است. نمونه‌های معمولی از قلدری مستقیم شامل قلدری کلامی با نام‌های تند و زننده و قلدری فیزیکی با ضربه زدن، لگد زدن، تنه زدن و تف کردن است. در قلدری غیر مستقیم نیز اعمال پرخاشگرانه پنهان و ظریف و زیرکانه است که شامل ایزوله کردن از نظر اجتماعی، نشر اکاذیب و شایعات زشت و زننده است (رضایی و همکاران، ۱۴۰۴). چندین شکل از قلدری سایبری نیز ممکن است به‌عنوان قلدری غیر مستقیم در نظر گرفته شود در این موارد پیام‌های زننده که از یک فاصله و از راه دور تحویل داده شود و نه بشکل چهره‌به‌چهره که در بعضی موارد پیدا کردن فرستنده پیام مشکل و یا غیر ممکن است نیز می‌باشد. در برخی تحقیقات ذکر شده است که قلدرها عملکرد تحصیلی ضعیف و سازگاری کمی در مدرسه دارند و در خطر اخراج از مدرسه هستند (اولویوس^۵، ۲۰۱۳). با این حال در اغلب موارد طبقه بندی و یا تشخیص قلدرها دشوار است زیرا آنها ممکن است هیچ یک از رفتارهای منفی مانند خودکنترلی پایین، عملکرد تحصیلی ضعیف، رفتارهای برونی‌سازی یا سوء مصرف سیگار یا مشروبات الکلی را نشان ندهند و یا برعکس رفتارها و ویژگی‌های پسندیده‌ای مانند مبصر کلاس بودن، محبوب و شاد بودن و روحیه خوب داشتن، فعال بودن در زمینه‌های درسی و فعالیت‌های فرهنگی مدرسه را نیز داشته باشند (پرن^۶، ۲۰۱۶).

در حال حاضر حجم قابل‌ملاحظه‌ای از شواهد پژوهشی حاصل از مطالعات انجام شده در مدارس کشورهای مختلف درباره شیوع

1. bullying

2. Han, Ye & Zhong

3. Olweus

4. Luciano & Carretero

5. Olweus

6. perren

رفتار قلدرانه وجود دارد. متأسفانه، آمارها و ارقام حاکی از آنست که این رفتار بسیار شایع است و اکثر کودکان قلدری را در مرحله ای از دوران مدرسه تجربه کرده و یا تصدیق می‌نمایند. قلدری می‌تواند از مشکلات جدی مدرسه و از شایع‌ترین موارد رفتار در جامعه باشد. قلدری سوء استفاده از قدرت است و می‌تواند به سه نوع کلامی، جسمی یا روانی صورت گیرد. پسران با تهدید و آزار جسمی قلدری می‌کنند و اما قلدری کلامی مثل شایع پراکنی، سخن چینی در دختران نیز شایع تر است (اسمیت و تامپسون، ۲۰۲۳). در یک مطالعه بین‌المللی بر روی یک نمونه ۹ تا ۱۵ سال ۲۰٪ از آنها حداقل دو یا سه بار در ماه قلدری را تجربه می‌کنند، در حالی که ۸٪ قلدری بر روی دیگران را گزارش داده‌اند (راسکا^۱، ۲۰۱۲). تحقیقی که جیووازولا و همکاران (۲۰۱۰) بر روی ۳۶۹ دانش آموز دوره ابتدایی نشان داد که ۲۲/۸ کودکان قربانی قلدری هستند که از این میزان ۵۳/۶٪ پسر و ۴۶/۴٪ دختر بودند در حالی که فقط ۱/۴ دانش‌آموزان قلدر بودند که ۶۰٪ این گروه دختر و ۴۰٪ پسر بودند. ۳/۵ درصد از دانش‌آموزان قلدر- قربانی بودند که ۱۵/۴٪ دختر و ۸۴/۶٪ پسر بودند. در مطالعه انجام شده توسط اسمیت^۲ (۲۰۱۴) نشان داد که ۲۷ درصد دانش‌آموزان مدارس ابتدایی و ۱۰ درصد دانش‌آموزان راهنمایی مورد زورگویی قرار گرفته‌اند. این آمارها دلالت بر این دارد که زورگویی در مدارس راهنمایی نسبت به مدارس ابتدایی شیوع کمتری دارد. لیانگ^۳ و همکاران (۲۰۱۷) شیوع رفتار قلدری را در نوجوانان آفریقای جنوبی و رابطه این رفتارها با سطوح خشونت و رفتار خشونت‌آمیز را نیز بررسی کرده‌اند که در نهایت نتایج آنها نشان داده است که ۰/۳۶ دانش‌آموزان درگیر رفتار قلدری هستند و اینکه دانش‌آموزان پسر بیشتر در خطر قربانی شدن هستند.

تحقیقات نشان می‌دهند که قربانیان منفعل احتمالاً مشکلاتی مانند رفتارهای درونی سازی را پیش از ورود به مدرسه داشته‌اند که از پیش‌بین‌های اصلی قربانی شدن آنها در مدرسه هستند (آرسنکولت^۴، ۲۰۱۰). براساس پژوهش‌های اخیر، نرخ شیوع قلدری در مدارس ابتدایی و متوسطه در برخی کشورها بین ۲۰ تا ۳۰ درصد گزارش شده است (مودچی^۵ و همکاران، ۲۰۱۴). در ایران نیز مطالعاتی مانند پژوهش فرید و مصلح (۱۴۰۳) نشان داده‌اند که قلدری در میان دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول با سبک‌های دل‌بستگی و شایستگی‌های اجتماعی-هیجانی ارتباط معناداری دارد. همچنین داداش‌زاده و همکاران (۱۴۰۳) با استفاده از رویکرد تحلیل آمیخته، عوامل زمینه‌ای مؤثر بر بروز قلدری را در مدارس ابتدایی شناسایی کرده‌اند که شامل ویژگی‌های فردی، خانوادگی و مدرسه‌ای است.

یکی از عواملی که در قلدری دانش‌آموزان می‌تواند نقش عامل پیشگیرانه داشته باشد، تاب‌آوری^۶ است (محمدی و همکاران، ۱۴۰۰). تاب‌آوری به این موضوع اشاره دارد که فرد با وجود قرار گرفتن در معرض فشارهای شدید و عوامل خطر می‌تواند عملکرد خود را بهبود ببخشد و بر مشکلات غلبه کند به‌عبارتی دیگر، تاب‌آوری به پیامدهای مثبت با وجود تجربه ناگواری‌ها و ناملازمات و عملکرد مثبت و مؤثر در شرایط ناگوار اشاره دارد. تاب‌آوری سازه‌ای است که بر اساس رویکرد مبتنی بر نقاط قوت بنا شده و حاکی از قابلیت افراد در کنار آمدن با مشکلات و خطرات می‌باشد (جیترمن^۷، ۲۰۱۸). واژه تاب‌آوری، همان‌گونه که توسط بسیاری از صاحب‌نظران و متخصصان تعریف شده، شامل مفهوم انعطاف‌پذیری، بهبود و بازگشت به حالت اولیه پس از رویارویی با شرایط ناگوار است. به عبارت دیگر تاب‌آوری توانایی حرکت به همراه مشکلات است یعنی علیرغم اینکه فرد با استرس، نگرانی و مشکل روبرو بوده، قادر

1. Raaska

2. Asmit

3. Liang

4. Arsencault

5. Modecki

6. Social resilience

7. Gitterman

باشد وظایف شخصی، اجتماعی، رقابتی و محیطی خود را انجام داده و به فعالیت کاری خود ادامه دهد. به علاوه این خصیصه به افراد کمک می‌کند تا در برابر مشکلات روانی مثل اضطراب، افسردگی و عصبانیت از خود محافظت نمایند (علیزاده، ۱۳۹۲). در این راستا، در مطالعه‌ای، انگ اجتماعی، قلدری و تاب‌آوری: پیامدهای روانی-اجتماعی در نوجوانان حاشیه‌نشین مورد بررسی قرار گرفت و شیوع بالای قلدری و نقش انگ اجتماعی و تاب‌آوری در قلدری نیز بررسی و تایید شدند (پارسا، لیسکا و لیسکا^۱، ۲۰۲۵). همچنین نتایج مطالعات دلیلی و روچی^۲ (۲۰۲۵) چارچوبی مبتنی بر تاب‌آوری ارائه کردند با مداخلات و حمایت رفتاری مثبت (PBIS) و یادگیری اجتماعی و عاطفی (SEL) که توانست میزان قلدری نوجوانان را کاهش دهد.

یکی دیگر از متغیرهایی که به نظر می‌رسد می‌تواند با قلدری ارتباط داشته باشد، شیوه‌های فرزندپروری است (جانگ^۳ و همکاران، ۲۰۲۳). مایز و پتیت^۴ در سال ۱۹۹۷، سبک‌های فرزندپروری را مجموعه‌ای از رفتارهای بهم پیوسته - که تعامل کودک - والد را روی طیف خاصی نشان می‌دهد، تعریف می‌کنند (نقل از خیمنز و تاو^۵، ۲۰۲۵). بامریند (۱۹۹۱) سبک فرزندپروری را به‌عنوان کارکرد کنترلی والدین معرفی می‌کند و باتوجه به ابعاد رفتاری، گرمی و کنترل، آن را به انواع مستبدانه، مقتدرانه و سهل‌گیرانه تقسیم می‌کند. سبک فرزندپروری مستبدانه، با کنترل سخت، سطح محدودیت بالا، انضباط ناپایدار و خشن، میزان پایین حمایت عاطفی و گرمی مشخص می‌شود. والدین با این سبک فرزندپروری فاقد گرمی و صمیمیت در روابط خود با فرزندان هستند و انتظار دارند که فرزندان خواسته‌ها و تقاضاهای آنها را بی‌چون و چرا برآورده کنند (بیلماز و دارچین^۶، ۲۰۲۵).

نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که والدین با سبک فرزندپروری مستبدانه بیشتر از رویکرد تنبیهی شامل تهدید، انتقاد و دیکته کردن قوانین به صورت اجباری استفاده می‌کنند، خودپیروی کودکان‌شان را محدود می‌کنند و خودشان تصمیم می‌گیرند که چه رفتارهایی برای فرزندشان مناسب است (بهمنی، ۱۳۹۷). سبک فرزندپروری مقتدرانه با ترکیبی از کنترل و حمایت عاطفی بالا، سطح مناسب استقلال و روابط دوسویه بین والدین و کودک شناسایی می‌شود (ریتمان و همکاران، ۲۰۰۲). سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه با فقدان کنترل والدین و پاسخ‌دهی به خواسته‌های کودک مشخص می‌شود. والدین سهل‌گیر سعی دارند برای کودکان خود محیطی گرم، آرام و پذیرا به وجود آورند، با این حال بر اعمال فرزندان خود کنترل و نظارت ندارند (میلادی، ۱۳۹۹). کودک در خانواده پندارهای اولیه را در مورد جهان فرا می‌گیرد از لحاظ جسمی و ذهنی رشد می‌یابد، شیوه‌های سخن گفتن را می‌آموزد، هنجارهای اساسی رفتار را یاد می‌گیرد و سرانجام نگرش‌ها، اخلاق و روحیاتش شکل می‌گیرد و به عبارتی اجتماعی می‌شود هر خانواده‌ای شیوه‌های خاصی را در تربیت فردی - اجتماعی فرزندان خویش بکار می‌گیرد (نوحی و دیگران، ۱۳۹۶). این شیوه‌ها که شیوه‌های فرزندپروری نامیده می‌شود. متأثر از عوامل مختلف از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد (بشارت، ۱۳۹۹). در همین راستا، نتایج مطالعات موسوی و همکاران (۱۴۰۲)، قدم پور و همکاران (۱۴۰۱)، حاجی علیانی و نوری (۱۴۰۰) و جانگ^۷ و همکاران (۲۰۲۳)، مک نمازا^۸ و همکاران (۲۰۲۲)، ری و آگاروای^۹ (۲۰۲۰) حاکی از آن بود که شیوه‌های فرزندپروری نیز با قلدری دانش‌آموزان رابطه دارد. از سوی دیگر آموزش و پرورش نیز به‌عنوان مهم‌ترین نهاد فعال در زمینه تعلیم و تربیت و فعالیت مدیران

1. Parga, Liska & Liska

2. Dailey & Roche

3. Jung

4. Mize & Pettit

5. Jimenez & Tu

6. Yilmaz & Darçın

7. Jung

8. McNamara

9. Rai & Agarwal

مدارس به‌عنوان سنگربانان این نهاد، در صورتی که مؤثرتر باشد می‌تواند موجب ارتقای عملکرد آن‌ها و بهبود فرآیند تعلیم و تربیت در دانش‌آموزان شود. در طی قرن‌های گذر عمر آموزش و پرورش، این ضرورت بیشتر شده و بر مبنایی بودن آن تأکید شده است. در این دوران است که شخصیت دانش‌آموزان شکل می‌گیرد و این شکل‌گیری و رمز موفقیت آن در دست معلمان و مدیران مدارس است که با دانش‌آموزان این راه را می‌پیمایند؛ لذا هرچند نظام آموزش و پرورش ممکن است نتواند شیوه فرزندپروری والدین را تغییر دهد اما می‌تواند از طریق ارائه آموزش‌های کارآمد در رابطه با شیوه‌های افزایش تاب‌آوری در دانش‌آموزان زمینه‌ی کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز و قلدری را در مدرسه و جامعه کاهش دهند. از سوی دیگر نیز باتوجه‌به اینکه بررسی پژوهش‌ها نشان داد که تاکنون پژوهشی پیرامون بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری و میزان تاب‌آوری با سطح قلدری دانش‌آموزان در مدارس دوره دوم ابتدایی ایران انجام نشده است؛ بنابراین می‌توان باتوجه‌به مطالب فوق و باتوجه‌به عدم وجود تحقیقات داخلی مرتبط، بررسی رابطه‌ی شیوه‌های فرزندپروری و میزان تاب‌آوری با سطح قلدری دانش‌آموزان در مدارس دوره دوم ابتدایی را ضروری دانست و به دنبال پاسخ به این پرسش بود که آیا شیوه‌های فرزندپروری و میزان تاب‌آوری با سطح قلدری دانش‌آموزان در مدارس دوره دوم ابتدایی رابطه دارد؟

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر روش، توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری نیز شامل کلیه دانش‌آموزان دختر در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳ مدارس دولتی دوره دوم ابتدایی شهرستان کاشمر بود که تعداد آنها ۷۶۳ نفر است که به روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک بر اساس جدول مورگان ۲۵۶ نفر محاسبه شد. در این تحقیق جهت تکمیل ادبیات و پیشینه علمی تحقیق از مطالعات کتابخانه‌ای و مقالات و پایان‌نامه‌ها و جستجوی اینترنتی استفاده شد و در بخش مطالعات میدانی نیز از پرسشنامه استفاده شد. جهت اجرای این پژوهش از طریق نمونه‌گیری منظم، نمونه مورد بررسی از دانش‌آموزان مدارس عادی-دولتی دخترانه ابتدایی دوره دوم شهرستان کاشمر به تفکیک از پنج مدرسه به طور نمونه انتخاب شد که با توضیح هدف پژوهش به صورت مختصر برای آنها و تمایل آنها به پاسخ دادن به سوالات، پرسشنامه‌ها در اختیار آنها قرار گرفت؛ لذا ملاک ورود به آزمون، رضایت آگاهانه والدین و تمایل به شرکت در پژوهش و سلامت روانی-جسمانی بود که در روز تکمیل پرسشنامه تمایل به شرکت در آزمون و پاسخ به سوالات را داشتند و ملاک خروج نیز پاسخگویی ناقص و ناتمام به حداقل نیمی از سوالات توسط دانش‌آموزان بود که انجام این امر توسط پژوهشگر همکار انجام شد.

پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند^۱ (PSI): این پرسشنامه که در سال ۱۹۷۲ توسط بامریند طراحی شد، شامل ۳۰ جمله است که ۱۰ جمله آن به شیوه سهل‌گیرانه، ۱۰ جمله به شیوه مستبدانه و ۱۰ جمله دیگر به شیوه قاطع مربوط می‌شود. الگوی پاسخگویی به سؤالها از مقیاس ۵ درجه ای لیکرت تبعیت می‌کند که به صورت کاملاً موافقم، موافقم، مطمئن نیستم، تقریباً مخالفم و مخالفم است. علاوه بر الگوی پاسخدهی، نمره‌گذاری سوالات پرسشنامه بامریند نیز بر مبنای مقیاس لیکرت صورت می‌گیرد که با جمع نمرات سوالات مربوط به هر شیوه، سه نمره مجزا بدست می‌آید. بوری در سال ۱۹۹۷ پایایی پرسشنامه مزبور را با استفاده از روش بازآزمایی در بین گروه مادران به ترتیب ۰/۸۱ برای شیوه سهل‌گیری ۰/۸۶، برای شیوه استبدادی ۰/۷۸ درصد و برای شیوه مقتدرانه و در بین پدران به ترتیب ۰/۷۷ برای شیوه سهل‌گیری ۰/۸۵، برای شیوه استبدادی ۰/۸۸، برای شیوه قاطع گزارش

۱. Baumrind Parenting Style Inventory (PSI)

نمود. روایی محتوای آزمون نیز توسط ۱۰ نفر از صاحب نظران روان‌شناسی و روان‌پزشکی مورد تأیید قرار گرفت و ابزار مناسب می‌باشد (بیرامی و بهادری خسروشاهی، ۱۳۸۹، مینایی، ۱۳۹۶).

پرسشنامه تاب‌آوری (CD-RISC):^۱ این مقیاس شامل ۲۵ سؤال است و توسط کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) جهت اندازه‌گیری قدرت مقابله با فشار و تهدید، تهیه شده است. برای هر سؤال، طیف درجه بندی پنج گزینه ای (کاملاً نادرست تا همیشه درست) در نظر گرفته شده که از صفر (کاملاً نادرست) تا چهار (همیشه درست) نمره گذاری می‌شود. این مقیاس اگرچه ابعاد مختلف تاب‌آوری را می‌سنجد ولی دارای یک نمره کل می‌باشد. دامنه نمرات بین ۲۵ تا ۱۰۰ است و نمره بالاتر به معنی تاب‌آوری بیشتر است. روایی (به روش تحلیل عوامل و روایی همگرا و واگرا) و پایایی (به روش باز آزمایی و آلفا کرونباخ مقیاس توسط سازندگان آزمون در گروه‌های مختلف (عادی و در خطر) احراز گردیده است. برای استفاده از آزمون در ایران، ابتدا فرایند ترجمه و برگردان به انگلیسی انجام پذیرفت و پس از تأیید سازندگان مقیاس مجوز استفاده از آن اخذ گردید. سپس برای احراز پایایی از روش آلفا کرونباخ و برای تعیین روایی از روش تحلیل عامل استفاده شد. پایایی مقیاس برابر ۰/۹۳ حاصل شد که کاملاً منطبق با پایایی گزارش شده توسط سازندگان مقیاس بود. نتایج تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی بیانگر وجود یک عامل کلی در مقیاس بود. ملاک استخراج عوامل شیب منحنی اسکری و ارزش ویژه بالاتر از یک بود. شاخص KMO برابر ۰/۹۱ و ضریب کروییت بارتلت برابر ۲۱۷۴ و در سطح ۰/۰۱ معنادار بود که نشان دهنده کفایت نمونه‌گیری سؤال‌ها و ماتریس همبستگی بودند. نتایج به‌دست‌آمده با یافته‌های دیگر تحقیقاتی که روایی و پایایی این مقیاس را بررسی نموده اند همخوانی دارد (جوکار ۱۳۸۷). محمدی (۱۳۸۴) در تحقیقی با اجرای مقیاس تاب‌آوری بروی ۷۱۸ مرد ۱۸-۲۵ ساله در گروه‌های سالم، مصرف‌کننده و سوء مصرف‌کننده مواد مخدر با استفاده از روش آلفای کرونباخ، ضریب اعتبار برابر ۰/۸۹ به دست آورد. در این تحقیق برای تعیین روایی ابتدا همبستگی هر گویه با نمره کل، محاسبه و سپس از روش تحلیل عامل استفاده شد. محاسبه ضریب همبستگی هر گزینه با نمره کل نشان داد که به جز مورد گویه مورد ۳، ضرایب بین ۰/۴۱ تا ۰/۶۴ بودند. همچنین در پژوهش جوکار، که بر روی ۵۷۷ دانش‌آموز دبیرستانی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، همسانی درونی ۰/۹۳ برای این مقیاس گزارش داد و با روش تحلیل عاملی مؤلفه‌های اصلی، وجود یک عامل را در این مقیاس تأیید کرد.

پرسشنامه قلدری (IBS):^۲ برای سنجش سطح قلدری نیز از پرسشنامه قلدری اسپلاگه و هولت^۳ (۲۰۱۱) استفاده شد. آلفای این پرسشنامه نیز بالای ۷۰ درصد بدست آمد که نشان دهنده پایایی قابل قبول این پرسشنامه است. این پرسشنامه یکی از ابزارهای معتبر برای سنجش رفتارهای قلدری در محیط‌های آموزشی و اجتماعی است که شامل ۱۸ سؤال در قالب ۳ خرده مقیاس قلدری^۴ رفتارهای آزاردهنده و سلطه‌جویانه نسبت به دیگران، خرده‌مقیاس قربانی^۵ تجربه فرد از قربانی شدن، خرده‌مقیاس زد و خورد^۶ درگیری‌های فیزیکی یا لفظی در ۵ مقیاس درجه بندی لیکرت (از «هرگز» تا «اغلب») است. این مقیاس در ایران نیز توسط رضا چالمه (۱۳۹۲) بررسی و روایی و پایایی آن ۰/۷۰ مورد تأیید و ساختار عاملی، سه عامل اصلی شامل قلدری، زد و خورد، و قربانی ۰/۶۱ از واریانس کل را تبیین و بدست آورده است.

۱. Conon-Davidson Resilience Scale (CD-RISC)

۲. Illinois Bullying Scale

۳. Holt & Espelage

۴. Bullying

۵. Victimization

۶. Fighting

۳. یافته‌ها

یافته‌های تحقیق با استفاده توزیع پرسشنامه‌ها، در اختیار دانش‌آموزانی که مایل به همکاری بودند، به نسبت تقریباً مساوی در هر پایه داده شد. نتایج حاکی از آن بود که ۸۴ نفر از دانش‌آموزان پایه چهارم و در بازه سنی ۱۰-۸ سال بودند. ۸۵ نفر پایه پنجم و در بازه ۱۱-۱۰ سال و ۸۶ نفر پایه ششم و در بازه سنی ۱۲-۱۱ سال بودند.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی شیوه‌های فرزندپروری، تاب‌آوری و سطح قلدری

متغیر	مؤلفه	تعداد	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
شیوه‌های فرزند پروری	سهل‌گیری	۲۵۶	۱۰	۵۰	۳۴/۹۳	۰/۰۳	-۰/۴۰	۰/۲۳
	استبدادی	۲۵۶	۱۰	۵۰	۳۰/۱۶	-۰/۰۸	-۰/۱۲	۰/۳۰
	قاطع و اطمینان بخش	۲۵۶	۱۰	۵۰	۳۷/۲۱	۹/۱۶	-۰/۰۸	-۰/۱۲
تاب‌آوری	تاب‌آوری	۲۵۶	۰	۱۰۰	۷۸/۴۷	۲/۱۶	۰/۰۵	-۰/۴۲
سطح قلدری	قلدری	۲۵۶	۹	۴۵	۳۲/۴۳	۳/۴۷	۰/۱۰	۰/۴۲
	قربانی	۲۵۶	۴	۲۰	۱۴/۱۶	-۰/۵۷	-۰/۰۹	۰/۲۶
	زد و خورد	۲۵۶	۵	۲۵	۱۸/۲۱	۰/۳۷	-۰/۲۹	-۰/۴۷

نتایج درج شده در جدول فوق نشان می‌دهد که کجی و کشیدگی در تمامی متغیرها در سطح مطلوبی قرار داشته و نرمال بودن تک متغیره محقق شده است. بررسی نرمال بودن توزیع خطاها با استفاده از نمودار نرمال و آزمون کالموگروف-اسمیرنوف صورت گرفت. معنادار نبودن این آزمون نشان دهنده نرمال بودن توزیع خطاهاست. تحلیل اولیه نشان داد که در مدل پیش‌بینی سطح قلدری توزیع خطاها نرمال است ($P \geq 0.05$).

جدول ۲. ضرایب همبستگی بین انواع شیوه‌های فرزندپروری و سطح قلدری

متغیرها	سطح قلدری		
	ضریب همبستگی	تعداد	سطح معناداری
سهل‌گیری	۰/۲۸	۲۵۶	۰/۰۰۱
استبدادی	۰/۲۵	۲۵۶	۰/۰۰۱
قاطع و اطمینان بخش	-۰/۲۷	۲۵۶	۰/۰۰۱
تاب‌آوری	-۰/۱۶	۲۵۶	۰/۰۰۱

نتایج بالا نشان می‌دهد در شیوه‌های فرزندپروری، سهل‌گیری و استبدادی با سطح قلدری رابطه مثبت دارد و قاطع و تاب‌آوری با سطح قلدری رابطه منفی دارد. برای پاسخگویی به پیش‌بینی سوال پژوهش نیز با رگرسیون چندگانه به روش گام به گام اقدام صورت گرفت. بدین ترتیب که شیوه‌های فرزندپروری و تاب‌آوری به عنوان متغیرهای پیش‌بین و سطح قلدری به عنوان متغیر ملاک وارد معادله رگرسیون شدند. بررسی استقلال خطاها نیز با استفاده از آزمون دوربین-واتسون انجام شد. این آزمون به دنبال بررسی استقلال خطاهاست. اگر خطاها با یکدیگر همبستگی داشته باشند از رگرسیون نمی‌توان استفاده کرد و باید به اصلاح داده‌ها پرداخت.

اگر آماره دوربین - واتسون کمتر از ۲/۵ باشد، استقلال خطاها محقق شده است. نتایج بررسی این مفروضه برای مدل رگرسیون سطح قلدری ضریب ۱/۵۲ را به دست داد که نشان از استقلال خطاها داشت. سومین مفروضه تحلیل رگرسیون، عدم همخطی متغیرهای پیش بین است. بررسی این مفروضه با دو شاخص تلرانس و VIF صورت می‌گیرد. ضرایب تلرانس باید به ۱ نزدیک بوده و ضرایب VIF نباید بیشتر از ۱۰ باشند. ضرایب کوچکتر و نزدیک به ۱ نشان دهنده عدم همخطی هستند. باتوجه‌به محقق شدن مفروضات نرمال بودن توزیع، استقلال خطاها و عدم هم خطی در ادامه به تفکیک فرضیات پژوهشی به ارائه یافته‌ها پرداخته شد.

جدول ۳. خلاصه مدل رگرسیون و نتایج تحلیل واریانس سطح قلدری بر اساس شیوه‌های فرزندپروری و تاب‌آوری

مدل	متغیرهای پیش‌بین	R	R ²	Adjusted R Square	F	Sig
	سهل‌گیری	۰/۵۳	۰/۲۸	۰/۲۷	۶۷/۴۶	۰/۰۰۰۱
	استبدادی					
	قاطع و اطمینان بخش					
	تاب‌آوری					

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که در بهترین مدل پیش‌بینی برای سطح قلدری، مقدار ضریب همبستگی چندگانه متغیرهای پیش‌بین با ملاک ۰/۵۳ بوده که نشان دهنده رابطه در حد متوسط بین متغیرهای پیش‌بین و متغیر ملاک است. مقدار ضریب تعیین ۰/۲۸ بوده است. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده به مقدار ۰/۲۷ به دست آمده است و بیانگر این مطلب است که ۲۷ درصد از تغییرات (واریانس) سطح قلدری به متغیرهای پیش‌بین مربوط است. شاخص‌های تحلیل واریانس، معنی‌دار بودن رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها را نشان می‌دهد و سطح معناداری کوچکتر از $P=0/01$ آن را تأیید می‌کند. آزمون نشان می‌دهد که مدل رگرسیون با متغیرهای پیش‌بین و ملاک از برازش خوبی برخوردارند و تغییرات تبیین شده توسط مدل، واقعی بوده و ناشی از شانس و تصادف نیست. همچنین نشان می‌دهد که متغیرهای پیش‌بین توانسته‌اند تغییرات سطح قلدری را پیش‌بینی کنند. با احتمال بیش از ۹۹ درصد این متغیرها در پیش‌بینی و تغییرات متغیر ملاک سهمیم هستند. برای بررسی اهمیت نسبی متغیرهای پیش‌بین در پیش‌بینی سطح قلدری باید مقادیر ضرایب رگرسیون را مطالعه نمود. مقادیر ضرایب رگرسیون در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول ۴. ضرایب رگرسیون گام به گام سطح قلدری بر اساس شیوه‌های فرزندپروری و تاب‌آوری

مدل	متغیرهای پیش‌بین	ضرایب غیر استاندارد		Beta	t	Sig
		B	خطای استاندارد			
۱	سهل‌گیری	۰/۳۳	۰/۰۶	۰/۳۶	۵/۹۵	۰/۰۰۰۱
۲	استبدادی	۰/۳۵	۰/۰۶	۰/۳۸	۷/۳۴	۰/۰۰۰۱
۳	قاطع و اطمینان بخش	-۰/۳۱	۰/۰۶	-۰/۳۵	-۵/۴۷	۰/۰۰۰۱
۴	تاب‌آوری اجتماعی	-۰/۳۲	۰/۰۶	-۰/۳۵	-۶/۳۸	۰/۰۰۰۱

ضرایب رگرسیون درج شده در جدول فوق نشان می‌دهد که با توجه به مقداری بتا و t به دست آمده، سبک فرزندپروری استبدادی، هل‌گیر، قاطع و تاب‌آوری به ترتیب در پیش‌بینی قلدری دانش‌آموزان نقش داشتند.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی نقش شیوه‌های فرزندپروری و تاب‌آوری در پیش‌بینی قلدری دانش‌آموزان مدارس دوره دوم ابتدایی انجام شده است. نتایج نشان داد شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیری و استبدادی با سطح قلدری رابطه مثبت وجود دارد و شیوه فرزندپروری قاطع و تاب‌آوری با سطح قلدری رابطه منفی دارد.

نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش با نتایج حاصل از پژوهش‌های قدم‌پور و همکاران (۱۴۰۱)، حاجی‌علیانی و همکاران (۱۴۰۰)، شیرکوند و همکاران (۱۳۹۹)، اسمری برده زرد و همکاران (۱۳۹۸)، جانگ و همکاران (۲۰۲۳) مک‌نمارا و همکاران (۲۰۲۰)، ری و آگاروای (۲۰۲۰)، دسیرس و همکاران (۲۰۲۰)، مقبول و همکاران (۲۰۱۹) همسو بود.

در تبیین نقش شیوه‌های فرزندپروری در قلدری دانش‌آموزان، می‌توان گفت پدیده‌ی قلدری امروزه تبدیل به مسئله‌ای بسیار جدی برای بسیاری از سازمان‌ها و حتی دولت‌ها شده است. در سال ۲۰۱۷ حدود ۳۹٪ نیروی کار اعلام کرده بودند که مورد قلدری قرار گرفته‌اند. این معضل اخلاقی در محیط کار، اثرات نامطلوبی بر افراد، خانواده‌ها، سازمانها، اقتصاد و در کل جامعه می‌گذارد. تحقیر، اظهارات تحقیرآمیز، شایعه پراکنی، غیبت، ترساندن از جمله نمونه‌های این رفتار در محیط کار می‌باشد. از طرف دیگر این رفتار نتایج مخربی همچون انزوای اجتماعی، اضطراب، تنش، یأس و ناامیدی، افسردگی، پریشانی و همچنین انواع مشکلات فیزیکی برای قربانیان خود به دنبال دارد (مک بو، ۲۰۱۹)؛ بنابراین باتوجه‌به پیچیدگی رخداد این پدیده در سیستم‌های آموزشی قلدری در محیط کار به شکل‌های مختلفی تعریف شده و هنوز تعریف واحدی از قلدری که صاحب‌نظران بر آن اجماع داشته باشند ارائه نشده است. باین‌وجود افراد مختلفی تعاریف متفاوتی از قلدری را از دید خود و باتوجه‌به علایق شغلی و حرفه‌ای خود مورد استفاده قرار داده‌اند (سامنانی و همکاران، ۲۰۱۲).

عقاید و باورهای والدین، شیوه‌های تربیتی آن‌ها، جو عاطفی حاکم بر خانواده و امکانات و موقعیت‌های فرهنگی خانواده، نقش مهمی در پرورش قضاوت اخلاقی و شکل‌گیری شخصیت کودک و نوجوان دارند. زمانی که والدین در روش‌های تربیتی خود در مورد فرزندانشان ثابت‌قدم و اقتدارگونه باشند خودبه‌خود و به شیوه‌ی غیرمستقیم، رفتارهای ابراز وجود و اعتماد را به آن‌ها ارائه می‌دهند، به گفته‌های کودکان خود گوش می‌سپارند و گفت‌وگو با آن‌ها را ترویج می‌دهند، همچنین روش انضباطی آنان توأم با گرمی، منطق و انعطاف‌پذیری است و تا حدی به کودکان خود آزادی می‌دهند، کودکان نیز رشد اجتماعی بیشتری را از خود نشان می‌دهند؛ لذا شاهد رفتارهای قلدری نیز از آنها بعداً نخواهیم بود. در مقابل اگر شیوه فرزندپروری مستبدانه را اختیار کنند باعث بروز مشکلات عاطفی، اخلاقی و رفتاری مختلفی در کودکان خود می‌شوند. هرچند ممکن است والد به شیوه تربیتی که در کودکی بر وی اعمال شده به تربیت فرزند خود بپردازد؛ اما اگر این شیوه باطل باشد کودکان را در معرض بسیاری از مشکلات اخلاقی قرار می‌دهد (ابوالمعالی، ۱۳۹۱)؛ لذا در شیوه فرزندپروری مستبدانه، احساسات و هیجانات کودک اهمیت چندانی ندارند، بیش از هر چیزی اجرای قوانین و دستورات والدین مهم است و پدر و مادر روی اطاعت بی‌چون و چرای فرزندانشان تأکید دارند در این شیوه، گفتگوی دوطرفه، شنیدن صحبت‌های فرزندان، پرسیدن سؤال از والدین و انعطاف جایی ندارند. بسته به شدت این الگو، ممکن است حتی شاهد تنبیه و سرزنش بیش از اندازه در رفتار والدین هم باشیم. توقع و انتظار به‌طورکلی در این نوع شیوه رفتاری بالا و آزادی فرزندان محدود به

قواعد خاص والدین است؛ لذا کودکی که در آستانه نوجوانی است و به دنبال آزادی و هویت خود می‌باشد در مقابل چنین برخوردی از سمت والدین خود مقاومت می‌کند و اغلب این مقاومت‌ها به شکل قلدری چه در فضای خانواده و چه در فضای مدرسه در دانش‌آموزان بروز می‌کند (میلادی، ۱۳۹۹).

بنابراین، در نهایت شیوه فرزندپروری قاطع و اطمینان‌بخش، روشی منطقی است که در آن حقوق والدین و کودکان محترم شمرده می‌شود. در این شیوه، والدین درخواست‌های معقولی از فرزندان خود دارند و این درخواست‌ها را با تعیین محدودیت‌ها و تأکید بر این که کودک باید از آنها تبعیت کند به اجرا می‌گذارند و در عین حال به آنها صمیمیت و محبت نشان می‌دهند. این ویژگی‌ها، کودکان را در برابر سطح قلدری مصون می‌دارد. بدین ترتیب کودکانی که والدینشان از شیوه فرزندپروری مقتدرانه بهره می‌جویند، در مقایسه با سایر کودکان از مشکلات رفتاری کمتری رنج می‌برند و چه‌بسا از رشد روانی، اجتماعی، عملکرد تحصیلی و مقبولیت اجتماعی بیشتری برخوردار می‌شوند. شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه نیز با افزایش سطح قلدری در کودکان همراه است. شیوه سهل‌گیرانه و شیوه مستبدانه با سطح قلدری اشاره شده است. به نظر می‌رسد هر دو شیوه فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه از شیوه‌های تربیتی ناکارآمد باشند که هر کدام به نوبه خود باعث بروز قلدری در کودکان می‌شوند (بشارت، ۱۳۹۹).

رویکردهای نوین تعامل خانواده و فرزندپروری تأکید متعادلی روی شناخت و رفتار دارند و بر عمق الگوی تعاملی خانواده تمرکز دارند، به طوری که در روابط خانوادگی شناخت‌ها، هیجان‌ها و رفتار بر یکدیگر تأثیرات دوجانبه دارند؛ بنابراین یک استنتاج شناختی، می‌تواند هیجان یا رفتاری را برانگیزاند و یک هیجان و رفتار می‌تواند بر شناخت تأثیر بگذارد. برای مثال رفتار کودک، رفتارها، شناخت‌ها و هیجان‌ها والدین را تحت تأثیر قرار می‌دهد که این به نوبه خود باعث ایجاد رفتار، هیجان‌ها و شناخت‌های واکنش خاص والدین می‌شود. در شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه کمترین میزان ساختار وجود دارد. والدین سهل‌گیر، مهرورز، پذیرا و کم‌توقع هستند، کنترل کمی بر رفتار فرزندان خود اعمال می‌کنند و به آنها اجازه تصمیم‌گیری در هر سنی که باشند را می‌دهند، حتی اگر هنوز قادر به انجام این کار نباشند. این شیوه، با کمبود مهار والدینی و اعمال قدرت والدین روی رفتار کودک و گرایش به تن‌دادن به خواسته‌ی کودک مشخص می‌شود؛ بنابراین انتظار می‌رود این شیوه فرزندپروری با سطح قلدری کودک و پیامدهای منفی ارتباط داشته باشد. هرچند ممکن است در برخی پژوهش‌ها تأثیر شیوه یاد شده سهل‌گیرانه بر یک رفتار خاص معنی‌دار و در برخی معنی‌دار نیست شاید ناشی از تفاوت در نوع ابزار بکار گرفته شده و شرایط جمع‌آوری داده‌ها و یا نوع آزمونی باشد که در تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش‌ها مورد استفاده قرار گرفته است و یا اختلاف موجود را می‌توان به شرایط خانوادگی، فرهنگی، روانی اجتماعی حاکم بر زندگی کودک نیز نسبت داد که این شرایط می‌تواند سطح قلدری را در آن‌ها افزایش دهد.

در تبیین نقش تاب‌آوری در قلدری دانش‌آموزان، می‌توان گفت تاب‌آوری نیز می‌تواند بر میزان وقوع رفتار قلدری تأثیرگذار باشد. روان‌شناسان تاب‌آوری را در مقابل محیط مورد توجه قرار داده و خصوصیات آن را به هنجار تلقی کرده‌اند که به فرد کمک می‌کند تا خود را با جهان پیرامون سازگار کند و با دیگران در صلح و صفا زندگی و در جامعه جایگاهی کسب نماید. در این میان تاب‌آوری انعکاسی از تعامل فرد با دیگران و رضایت از نقش‌های خود و نحوه عملکرد در نقش‌ها است که به احتمال زیاد تحت تأثیر شخصیت، فرهنگ و انتظارات خانواده قرار دارد (پارگا و همکاران، ۲۰۲۵). تاب‌آوری معمولاً در اصطلاحات نقش‌های اجتماعی، عملکرد نقش، درگیر شدن با دیگران و رضایت با نقش‌های متعدد مفهوم‌سازی شده است. عواملی چون: عوامل پزشکی، تربیت و اختلالات عاطفی و هیجانی، ارثی، محیطی و اجتماعی بر تاب‌آوری مؤثر است. مشکلات نوجوانان با والدین، باعث ایجاد تنش در بسیاری از خانواده‌ها شده است. نوجوان ممکن است در این سن با مسائل مختلفی که باب میلش نیست کنار نیاید. تاب‌آوری به‌عنوان مهم‌ترین

نشانه سلامت روان است و همه تحقیقات نظریه روانی - اجتماعی سازگاری بر این ضرورت متکی هستند که نوجوانان ناسازگار متعلق به خانواده‌هایی هستند که الگوی رفتاری غلط - نظام ارزشی نادرست و ناهمگن و عملکردهایی نامناسب از ویژگی‌های آن است (امامی، ۱۳۹۰).

پژوهشگران در مطالعات خود دریافتند، بسیاری از انسان‌ها که در معرض آسیب قرار گرفته‌اند، می‌توانند به سلامت از آن بگذرند و حتی به رشدی بیش‌ازپیش دست یابند. به همین دلیل آنها به این فکر افتادند که اگر بتوان ویژگی‌های تاب‌آورانه این انسان‌ها را شناخت می‌توان از این ویژگی‌ها در آموزش دیگران استفاده کرد. این تحقیقات نشان داده است که میزان عوامل خطر و عوامل محافظ، نقش بسیار مهمی در سوق دادن افراد به سمت تاب‌آوری یا آسیب روانی-اجتماعی دارد. تاب‌آوری در کنار بسیاری از عوامل دیگر، می‌تواند زمینه کاهش رفتارهای قلدرمانه در دانش‌آموزان و در محیط آموزشی- تربیتی را کاهش دهد (دیلی و همکاران، ۲۰۲۵). عوامل خطر، شرایط و وضعیت‌هایی هستند که احتمال آسیب روانی اجتماعی را در شخص افزایش می‌دهند. مثل بیماری، فقر، شکست تحصیلی. ولی عوامل محافظ شرایط و وضعیت‌هایی هستند که احتمال آسیب روانی- اجتماعی را در شخص کاهش می‌دهند مثل داشتن اعتمادبه‌نفس، روابط مهربانانه در خانواده؛ لذا تاب‌آوری نیز یکی از همین عوامل محافظتی است که همراه با سایر عوامل محافظ نقش مهمی در موفقیت افراد و جان به‌دربردن از شرایط ناگوار دارد (رجب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷) و از این طریق می‌تواند به کاهش رفتار قلدری در دانش‌آموزان کمک نماید.

باین‌حال، پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز مواجه بود است که از جمله تمرکز بر یک منطقه جغرافیایی خاص بوده است که تعمیم‌پذیری نتایج را محدود می‌سازد. پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی، از روش‌های ترکیبی (کمی و کیفی) و نمونه‌های متنوع‌تر از نظر فرهنگی و اجتماعی استفاده شود تا اعتبار بیرونی یافته‌ها افزایش یابد. بررسی علمی این پژوهش نشان داد که میان شیوه‌های فرزندپروری و سطح تاب‌آوری دانش‌آموزان با میزان بروز رفتارهای قلدرانه در مدارس، رابطه معناداری وجود دارد. این یافته‌ها نه تنها به عنای ادبیات پژوهشی در حوزه روان‌شناسی تربیتی می‌افزایند، بلکه می‌توانند زمینه‌ساز مطالعات گسترده‌تری در حوزه پیشگیری از خشونت‌های مدرسه‌ای باشند. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، پیشنهاد می‌شود مسئولان آموزشی با طراحی و اجرای دوره‌های هدفمند آموزش خانواده، والدین را نسبت به نقش تربیتی خود در کاهش رفتارهای پرخطرانه فرزندان آگاه سازند. همچنین تقویت مهارت‌های تاب‌آوری در برنامه‌های درسی مدارس می‌تواند به کاهش آسیب‌پذیری دانش‌آموزان در برابر قلدری کمک کند و گامی مؤثر در جهت ارتقای سلامت روانی و اجتماعی جامعه آموزشی باشد.

منابع

- اسمری برده زرد، یوسف؛ دولت‌شاهی، بهروز؛ طاهری، احسان. (۱۳۹۸). بررسی شیوع قلدری و ارتباط آن با مهارت‌های اجتماعی-هیجانی، مهارت حل مسئله و افسردگی در دانش‌آموزان متوسطه اول. آموزش و ارزشیابی (علوم تربیتی)، ۱۲(۴۸)، ۱۳-۳۲.
- ابوالمعالی، خدیجه؛ موسی‌زاده، زهره. (۱۳۹۱). پرخاشگری (ماهیت، علل و پیشگیری)، تهران، انتشارات ارجمند.
- بشارت، محمدعلی. (۱۳۹۹). رابطه کمال‌گرایی با سلامت و بیماری جسمی. مطالعات روان‌شناسی بالینی، ۱(۱)، ۴۲-۶۲.
- بهمنی، عزیزه. (۱۳۹۷). نقش جو عاطفی خانواده، روابط والد - کودک و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی اختلالات خواب کودکان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه آزاد ارومیه.
- چالمه، رضا. (۱۳۹۲). کفایت روان‌سنجی مقیاس قلدری ایلی‌نویز در دانش‌آموزان ایرانی: بررسی روایی، پایایی و ساختار عاملی، روش‌ها

- و مدل‌های روان‌شناختی، ۳ (۱۱)، ۷۲-۵۵.
- حاجی علیانی، وحید؛ نوری، ربابه. (۱۴۰۰). بررسی رفتارهای قلدرانه بر اساس شیوه‌های فرزندپروری و دلبستگی: یک مطالعه مروری. نشریه رویش روان‌شناسی، ۱۰ (۵)، ۱۹۵ - ۲۰۸.
- شیرکوند، نسیم؛ میرهاشمی، مالک. (۱۳۹۹). پیش‌بینی قلدری بر اساس شیوه فرزندپروری ادراک شده با میانجی‌گری خودپنداره در دانش‌آموزان. فصلنامه پژوهش اجتماعی، ۴۹ (۱)، ۲-۲۱.
- رجب‌زاده، زینب؛ رئوفی، کبری؛ رضایی مقدم، مرجان؛ وفایی نژاد، فرشته. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین دلبستگی به خدا و تاب‌آوری با معناداری در زندگی دانشجویان دانشکده علوم پزشکی بهبهان. مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۶۱ (۱)، ۲۰-۲۸.
- رضایی، آرش؛ قاسمی، آیدین؛ دودکانلو، سجاد؛ بابالو، نجیبه؛ آقاجانپور، کبری. (۱۴۰۴). بررسی پدیده قلدری در دانش‌آموزان و تأثیر آن بر تمرکز، افت نمرات درسی و کاهش انگیزه، فصلنامه تحقیقات راهبردی در تعلیم و آموزش و پرورش، ۵ (۵۵)، ۱-۸.
- صمدیه، هادی؛ خامسان، احمد؛ محمدزاده، محدثه. (۱۴۰۳). مقیاس‌های قلدری در بافت‌های آموزشی: مرور نظام‌مند دو دهه پژوهش در ایران. رویش روان‌شناسی، ۱۳ (۲)، ۴۷-۵۸.
- علیزاده، حمید. (۱۳۹۲). تاب‌آوری شناختی (بهبه‌یستی روانی و اختلالات رفتاری)، تهران، ارسباران.
- قدم‌پور، عزت‌الله؛ صادقی، مسعود؛ قره‌ویسی، سمیرا؛ سلیمانی، مجید. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر پیوند با مدرسه بر قلدری با میانجی‌گری شیوه‌های فرزندپروری در دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه دوم. فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۸۹ (۱)، ۲۰۵ - ۲۱۹.
- محمدی، محمد؛ فرید، ابوالفضل؛ حبیبی کلیبر، رامین؛ مصرآبادی، جواد. (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش ابراز وجود بر سازگاری اجتماعی و تاب‌آوری تحصیلی دانش‌آموزان قربانی قلدری. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۸۰ (۲)، ۱۷۹ - ۱۹۲.
- موسوی، سید نجم‌الدین؛ سپهوند، رضا؛ اکبری پشم، فاطمه؛ مؤمنی، مریم. (۱۴۰۲). تأثیر قلدری بر ناامنی شغلی و رفتار انحرافی کارکنان: تبیین نقش میانجی تاب‌آوری و حمایت سازمانی مطالعه موردی: فرماندهی نیروی انتظامی شهرستان خرم‌آباد. فصلنامه مدیریت منابع در نیروی انتظامی، ۴۱ (۴)، ۱۰۵ - ۱۲۴.
- میلاادی، نیلوفر. (۱۳۹۹). نقش شاخص‌های هوش شناختی و هیجانی در پیش‌بینی خلاقیت دانش‌آموزان مدارس تیزهوشان با واسطه‌گری سبک‌های فرزندپروری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنائی دانشگاه آزاد ارومیه.
- مینائی، اصغر؛ نیک‌زاد، سپیده. (۱۳۹۶). ساختار عاملی و اعتبار نسخه فارسی پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند. خانواده‌پژوهی، ۱۳ (۱)، ۹۱-۱۰۸.
- نوحی، شهناز؛ حاتمی، حمیدرضا؛ جان بزرگی، مسعود؛ بنی‌جمالی، شکوه‌السادات. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش فرزندپروری ترکیبی (زیستی-اجتماعی) به مادران بر خودکارآمدی ادراک شده کودکان. شناخت اجتماعی، ۶ (۱)، ۷۳-۸۷.

Arseneault, L., Bowes, L., & Shakoor, S. (2010). Bullying victimization in youths and mental health problems: 'Much ado about nothing?'. *Psychological medicine*, 40(5), 717-729.

Dailey, S. F., & Roche, R. R. (2025). The SHIELD framework: Advancing strength-based resilience strategies to combat bullying and cyberbullying in youth. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 22(1), 66.

- De Cieri, H., Sheehan, C., Donohue, R., Shea, T., & Cooper, B. (2019). Workplace bullying: an examination of power and perpetrators. *Personnel Review*, 48(2), 324-341.
- Gitterman, A.; Germain, C. B. (2018). *The life Model of Social Work practice*. New York: Columbia University Press.
- Han, Z. Y., Ye, Z. Y., & Zhong, B. L. (2025). School bullying and mental health among adolescents: a narrative review. *Translational Pediatrics*, 14(3), 463.
- Jimenez, V., & Tu, K. M. (2025). Social Cognitive Skills in African American Youth: Parental Cognitive Restructuring and Youth Support Seeking. *Social Development*, 34(2), e12794.
- Jung, H. S., & Yoon, H. H. (2018). Understanding workplace bullying: Its effects on response and behavior in the hospitality industry. *International Journal of Contemporary Hospitality Management*, 30(3), 1453-1471.
- Maqbool, S., Černe, M., & Bortoluzzi, G. (2019). Micro-foundations of innovation: Employee silence, perceived time pressure, flow and innovative work behaviour. *European Journal of Innovation Management*, 22(1), 125-145.
- Mannix McNamara, P., Fitzpatrick, K., MacCurtain, S., & O'Brien, M. (2018). Workplace bullying and redress procedures: Experiences of teachers in Ireland. *Qualitative Research in Organizations and Management: An International Journal*, 13(1), 79-97.
- Mundy, L. K., Canterford, L., Tucker, D., Bayer, J., Romaniuk, H., Sawyer, S.,... & Patton, G. (2017). Academic performance in primary school children with common emotional and behavioral problems. *Journal of School Health*, 87(8), 593-601.
- Olweus, D. (2003). A profile of bullying at school. *Educational leadership*, 60(6), 12-17.
- Parga, A. D., Liska, T. M., & Liska, T. (2025). Stigma, Bullying, and Resilience: Psychosocial Outcomes in Marginalized Adolescents With Visible Dermatologic Conditions. *Cureus*, 17(6).
- Perren, S., & Hornung, R. (2005). Bullying and delinquency in adolescence: Victims' and perpetrators' family and peer relations. *Swiss Journal of Psychology*, 64(1), 51-64.
- Rai, A., & Agarwal, U. A. (2017). Exploring the process of workplace bullying in Indian organizations: a grounded theory approach. *South Asian Journal of Business Studies*, 6(3), 247-273.
- Samnani, A. K., & Singh, P. (2012). 20 years of workplace bullying research: a review of the antecedents and consequences of bullying in the workplace. *Aggression and Violent Behavior*, 17(6), 581-589.
- Seals, D., & Young, J. (2003). Bullying and victimization: prevalence and relationship to gender, grade level, ethnicity, self-esteem, and depression. *Adolescence*, 38(152).
- Shetgiri, R., Lin, H., & Flores, G. (2012). Identifying children at risk for being bullies in the United States. *Academic Pediatrics*, 12(6), 509-522.
- Smith, P. K ;Thompson, F. (2023). *Bullying in UK and Irish schools: Patterns, gender differences, and prevention strategies*. London: Routledge.
- Smith, P. K., Mahdavi, J., Carvalho, M., Fisher, S., Russell, S., & Tippett, N. (2008). Cyberbullying: Its nature and impact in secondary school pupils. *Journal of child psychology and psychiatry*, 49(4), 376-385.
- Strøm, I. F., Thoresen, S., Wentzel-Larsen, T., & Dyb, G. (2013). Violence, bullying and academic achievement: A study of 15-year-old adolescents and their school environment. *Child abuse & neglect*, 37(4), 243-251.

- Swearer, S. M., Espelage, D. L., Vaillancourt, T., & Hymel, S. (2010). What can be done about school bullying? Linking research to educational practice. *Educational researcher*, 39(1), 38-47.
- Wienke Totura, C. M., MacKinnon-Lewis, C., Gesten, E. L., Gadd, R., Divine, K. P., Dunham, S., & Kamboukos, D. (2009). Bullying and victimization among boys and girls in middle school: The influence of perceived family and school contexts. *The Journal of Early Adolescence*, 29(4), 571-609.
- Vanderbilt, D., & Augustyn, M. (2010). The effects of bullying. *Paediatrics and child health*, 20(7), 315-320.
- Varjas, K., Henrich, C. C., & Meyers, J. (2009). Urban middle school students' perceptions of bullying, cyberbullying, and school safety. *Journal of School Violence*, 8(2), 159-176.
- Yilmaz, F., & Darçın, A. E. (2025). Relationship Between Perceived Parenting Styles And Depression, Anxiety. *Topkapı Sosyal Bilimler Dergisi*, 4(2), 56-76.



The Role of Parenting Styles and Resilience in Predicting Bullying Among Second-year Elementary School Students

Akram Hamidi Nasrabad^{1*}, Mahboubeh Choobaz²

1. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran

Email: hamidinasrabad@cfu.ac.ir

2. Master's degree, Azad university, Kashmar

Abstract

Students in the school environment are involved in major behavioral problems, with bullying being one of the most common behaviors, especially in boys' schools. Also, the present study was conducted with the aim of determining the role of parenting styles and resilience in predicting bullying among second-year elementary school students. The present research method was descriptive-correlational. The statistical population included all students in second-year elementary schools in Kashmar County in the academic year 1403-1404, numbering 763. The sampling method in this study was systematic random and the sample size was calculated based on the Morgan table as 256 people. The research tools included the Baumrind Parenting Styles Questionnaire (1973), the Connor and Davidson Resilience Questionnaire (1979-1991), and Bully Scale of Espelage & Holt (2001). For statistical analysis, Pearson correlation coefficient and multiple regression were used using SPSS-21 software. The results of Pearson's correlation coefficient showed that there was a positive and significant relationship between permissive ($p < 0.001$) and authoritarian ($p < 0.001$) parenting styles and the level of bullying, and there was a negative relationship between assertive and reassuring ($p < 0.001$) and resilient ($p < 0.001$) parenting styles and the level of bullying. Also, the research variables predicted 27% of the variance in students' bullying. According to the results obtained, it can be said that parenting styles and resilience are important and determining factors in reducing the level of bullying among students; therefore, by focusing on the results of the present study, it is possible to help reduce student bullying.

Keywords: Parenting styles, Resilience, Bullying, Students